



## تقابل نماینده تنگستان و استاندار بوشهر بر سر افتتاح سد خائیز

غلامحسین گرمی:  
(نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس)

برای باز دید قشون کشی نمی‌کنم

عبدالکریم گراوند:  
(استاندار بوشهر)

نیازی به تبلیغات نداریم



محمد حبیب الهی:

(دانشجوی دکتری و  
مدرس دانشگاه)  
موفقیت شهرداران در این  
است که روش کار آمد  
نوبین مدیریت را بکار گیرند  
و با دانشگاه‌ها و منابع و  
مآخذ این سامانه ارتباط  
ارگانیک برقرار نمایند.



نیکی حیدری  
(کارشناس ارشد  
الهیات)

کودکانی که  
آرزوهایشان را  
ارزان می‌فروشند



بازار قدیمی، اجناس مدرن

## تقابل نماینده تنگستان و استاندار بوشهر بر سر افتتاح سد خائیز

به گزارش نشریه دریاکنار و نقل از خبرگزاری مهر، افتتاح سد خائیز تنگستان در روزهای آینده به محلی برای بحث و تقابل استاندار بوشهر و نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی شده است.

استان بوشهر در زمینه منابع آبی با کمبودهای فراوانی روبرو است و یکی از مهمترین نیازهای این استان برای برخورداری از آب پایدار، تکمیل سدهای مردم دشتی و تنگستان در راستای توسعه سدهای استان بوشهر طی سال‌های گذشته اقدامات خوبی صورت گرفته و

چند سد کوچک به بهره‌برداری رسیده و چند سد مهم نیز در دست اجرا است که انتظار می‌رود برای تسریع در تکمیل آنها اقدامات مناسب صورت گیرد.

سد خائیز یکی از پروژه‌های مهم حوزه سدسازی استان بوشهر است که عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۹۷ آغاز شد و بر اساس اعلام مسئولان به زودی به بهره‌برداری خواهد رسید.

سد خائیز با ظرفیت ۱۶ میلیون مترمکعب دارای طول تاج ۶۱۰ متر، ارتفاع ۳۶ متر و از نوع خاکی با هسته رسی است که به منظور تأمین حقابه های کشاورزی و زیست محیطی ساخته شده است.

این سد علاوه بر کنترل سیلاب شاخه شیرین رودخانه اهرم، موجب کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی در بخش کشاورزی خواهد شد.

سد خائیز با مشروب ساختن ۶۸۱ هکتار از نخیلات تحت پوشش شبکه آبیاری اهرم، موجب افزایش راندمان آبیاری و افزایش کیفیت محصولات می‌شود و نقش مهمی در تأمین آب مورد نیاز هزار و ۲۰۰ هکتار از راضی کشاورزی، باغ‌ها و نخیلات در شهرستان تنگستان خواهد داشت.

پس از اعلام خبر افتتاح این سد در روزهای آینده، نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی در فضای مجازی افتتاح این سد را خیانت دانست و بیان کرد: این سد نیمه‌کاره است و بخش‌های مهم را ندارد.

ماجرا به همین جا ختم نشد و استاندار بوشهر در نشست گفتگوی دولت و بخش خصوصی استان بوشهر واکنش جدی را نسبت به سخنان نماینده دشتی و تنگستان داشت.

استاندار بوشهر بیان کرد: گاهی دوست نداشتیم وارد بگو مگوها شوم و همواره سعی کردم از طریق گفت‌وگو مسائل را حل کرده و از طریق تریبون‌های رسمی ورود نکنم ولی وقتی خواندم که یکی از نمایندگان از واژه خیانت استفاده کرده ورود کردم و پاسخ می‌دهم.

وی با بیان اینکه خیانت را کسانی کردند که هیچ کاری نکردند و کارها را معطل کردند افزود: مدیریت استان افتخار می‌کند که در کمتر از سه سال، سد ۱۶ میلیون متر مکعبی خائیز را تکمیل کرده و این

پروژه بهداشت و درمان، ۱۶۰ پروژه تکمیل موضوع از بعد از انقلاب سابقه نداشته است. گراوند یادآور شد: آقای گرمی نماینده مجلس گفته‌اند که به خاطر تبلیغات و بنر زدن این سد در سخت‌ترین شرایط تحریمی و اقتصادی، خم به ابرو نیاید و بالاتر از حد توان کار کرد.

استاندار بوشهر ابراز داشت: حرمت را حفظ می‌کنم، ولی کسانی که به تبلیغات و انتخاباتی هستند و دنبال رزست سیاسی و انتخاباتی هستند و دنبال تبلیغات هستند که حتی یک هزار تومان نیز برای شهرستان خود کمک نکردند. وی گفت: شیرینی این سد برای مردم تنگستان



شده است و کسانی به فکر بنر هستند که فقط با چند بلوک عکس می‌گیرند. گراوند افزود: افتخار می‌کنم در دولتی کار کردم که در سخت‌ترین شرایط تحریمی و اقتصادی، خم به ابرو نیاید و بالاتر از حد توان کار کرد.

استاندار بوشهر ابراز داشت: حرمت را حفظ می‌کنم، ولی کسانی که به تبلیغات و انتخاباتی هستند و دنبال رزست سیاسی و انتخاباتی هستند و دنبال تبلیغات هستند که حتی یک هزار تومان نیز برای شهرستان خود کمک نکردند. وی گفت: شیرینی این سد برای مردم تنگستان

موضوع از بعد از انقلاب سابقه نداشته است. گراوند یادآور شد: آقای گرمی نماینده مجلس گفته‌اند که به خاطر تبلیغات و بنر زدن این سد در سخت‌ترین شرایط تحریمی و اقتصادی، خم به ابرو نیاید و بالاتر از حد توان کار کرد.

استاندار بوشهر بیان کرد: ۱۰ خوابگاه ورزشکاران استان پنج خوابگاه در زمان بنده ساخته شده و از ۱۶ میلیون متر مکعبی خائیز را تکمیل کرده و این

پیگیری‌های بی وقفه، بالاخره روز جمعه گذشته موفق شدیم با دکتر نمکی، وزیر بهداشت دیدار کنیم. بنده مسئله را مطرح کردم.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان تصریح کرد: از وزیر بهداشت تقاضا کردیم که بالاخره بخش عمده ای از جامعه مهندسی کشور در معرض خطر و شرایط «فورس مازور» هستند به نحوی که در کارگاه کار می‌کنند و با مجموعه‌های کارگری سروکار دارند و احتمال مبتلا شدنشان به کرونا، خیلی بالا است و بر همین اساس، آنها در اولویت تزریق واکسن کرونا قرار بگیرند.

دکتر نمکی، این مطلب را مبنا قرار دادند و گفتند ما می‌توانیم به کسانی که پرریسک هستند، اولویت تزریق واکسن کرونا بدهیم. در اولویت اول توافق شد لیست پرریسک مهندسان - بیش از ۱۰۰ هزار نفر - را به همراه همسرانشان که در مجموع ۲۰۰ هزار نفر می‌شوند، تهیه شود. قرار شد به محض اینکه ما لیست دادیم، دستور تزریق واکسن داده شود و مجانی هم باشد.

استان‌ها تشکیل و صندوقی برای کمک به آسیب دیدگان کرونا که عضو سازمان نظام هستند، تأسیس شد و تمام پروتکل‌های بهداشتی هم در این دوران به اجرا درآمدند.

وی از پیگیری‌های سازمان از بخش‌های مختلف برای تأمین واکسن کرونای مهندسان و خانواده‌های آنان خبر داد و اظهارداشت: حدود ۱۰۰ هزار واکسن کرونا را به سازمان نظام مهندسی بدهد تا این سازمان بتواند واکسن وارد کند و در اختیار وزارت بهداشت قرار دهد تا تزریق کند.

مهندس خرم توضیح داد: در ابتدا سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران در این باره اقدام کرد ولی ستاد ملی مقابله با کرونا جواب منفی داد. در ادامه باخبر شدیم که برای واردات واکسن کرونا، بعضی از سازمان‌ها و نهادهای مدنی مثل اتاق بازرگانی، تقاضا کردند ولی با آن درخواست‌ها مخالفت شد.

مهندس خرم در عین حال اظهارداشت: با

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان با تشریح پیگیری‌های انجام شده برای تأمین واکسن مهندسان و همسرانشان، از توافقات مهم با وزیر بهداشت در این خصوص خبر داد.

مهندس احمد خرم در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی سازمان نظام مهندسی ساختمان درباره آخرین وضعیت تأمین واکسن ضد کرونای مهندسان و خانواده‌هایشان توضیحاتی ارائه کرد.

وی اظهارداشت: خوشبختانه سازمان نظام مهندسی ساختمان از ابتدای شیوع ویروس کرونا در کشور تاکنون اقدامات ویژه و قابل توجهی انجام داده است به نحوی که سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان استان‌ها با هماهنگی ستاد ملی مقابله با کرونا، اقدامات خود را در ۱۶ ماه گذشته پیش برده‌اند.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان با اشاره به برنامه واکسیناسیون گروه‌های هدف که هم اکنون توسط وزارت بهداشت در حال اجراست، گفت: در ابتدای کار ستاد مدیریت بحران در

است و نخیلات شهرستان بیشترین بهره را از این سد می‌برند و اگر باران باریده بود این سد آبگیری هم شده بود و مقصر نباریدن باران ما نیستیم و کار خود را به نحو مطلوب انجام داده‌ایم و یک سد استاندارد را تحویل می‌دهیم.

گراوند تصریح کرد: شما حاضر نشدید چند کیلومتر بروید و از سد بازدید کنید و ادعا می‌کنید که دلسوز مردم هستید.

وی افزود: تاریخ قضاوت خواهد کرد و مردم بهترین قاضی هستند و می‌دانند که چه کسی کار کرده؛ این سد در واقع سند افتخار استان بوشهر خواهد بود.

گراوند اضافه کرد: سد ارغون در یک سال ساخته شد و سد اخوند نیز آماده آبگیری است و مردم می‌دانند که چه کسانی خیانت کردند و چه کسانی خدمت کرده و دلسوز هستند.

در پی این صحبت‌های استاندار بوشهر، نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی در یک نشست خبری به اظهارات استاندار بوشهر در این زمینه پاسخ گفت.

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی دوشنبه‌شب در این نشست اظهار داشت: انتظار ما از مسئولان این است که هر پروژه‌ای قرار است افتتاح شود ابتدا تکمیل شود و سپس به بهره‌برداری برسد.

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی در یک نشست خبری به اظهارات استاندار بوشهر در این زمینه پاسخ گفت.

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی دوشنبه‌شب در این نشست اظهار داشت: انتظار ما از مسئولان این است که هر پروژه‌ای قرار است افتتاح شود ابتدا تکمیل شود و سپس به بهره‌برداری برسد.

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی دوشنبه‌شب در این نشست اظهار داشت: انتظار ما از مسئولان این است که هر پروژه‌ای قرار است افتتاح شود ابتدا تکمیل شود و سپس به بهره‌برداری برسد.

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی دوشنبه‌شب در این نشست اظهار داشت: انتظار ما از مسئولان این است که هر پروژه‌ای قرار است افتتاح شود ابتدا تکمیل شود و سپس به بهره‌برداری برسد.

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی دوشنبه‌شب در این نشست اظهار داشت: انتظار ما از مسئولان این است که هر پروژه‌ای قرار است افتتاح شود ابتدا تکمیل شود و سپس به بهره‌برداری برسد.

نماینده مردم دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی دوشنبه‌شب در این نشست اظهار داشت: انتظار ما از مسئولان این است که هر پروژه‌ای قرار است افتتاح شود ابتدا تکمیل شود و سپس به بهره‌برداری برسد.

## تأمین رایگان واکسن مهندسان توسط وزارت بهداشت؛ توافقات مهم مهندس خرم با وزیر بهداشت برای تزریق واکسن به مهندسان و همسرانشان

تزریق خواهد شد.

به اعتقاد مهندس خرم، این اقدام، حرکت بسیار ارزشمندی بود که انجام شد و قول آن توسط وزیر محترم بهداشت داده شد و انشالله ظرف روزهای آینده شروع خواهد شد.

وی ابراز امیدواری کرد که با این واکسیناسیون، آسیب‌هایی که به جامعه مهندسی کشور می‌رسد، به خصوص آن‌هایی که پرریسک محسوب می‌شوند و بی‌وقفه به مردم خدمت می‌کنند، به حداقل ممکن برسد.

مهندس خرم در پایان در جمع بندی موضوع واکسن کرونا گفت که اولاً، واکسن را خود وزارت بهداشت تأمین می‌کند، دوم اینکه اولویت اصلی سازمان، در مورد کسانی است که پروانه اشتغال دارند و سوم اینکه واکسیناسیون هیچ هزینه‌ای برای سازمان و اعضا دربر نخواهد داشت و رایگان کار انجام می‌شود. ضمناً خیلی زودتر از زمانی که واکسیناسیون به نوبت مهندسیین برسد، کار انشالله انجام خواهد شد.

رایگان، سریع تزریق کنند و به محض اینکه تمام شد، سپس ریسک متوسط‌ها و در ادامه ریسک پایین‌ها را به صورت رایگان، تزریق کنند. در واقع، با تزریق رایگان واکسن کرونا به مهندسان «پرریسک، ریسک متوسط و ریسک پایین» در نوبت‌های مختلف، دیگر هزینه‌ای به سازمان نظام مهندسی ساختمان و اعضای سازمان تحمیل نخواهد شد.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان گفت: در این راستا، به دنبال پاسخ نام‌های که به استان‌ها نوشته می‌شود، افراد پروانه دار و پرریسک، افراد پروانه دار و کم‌ریسک در دو نوبت، سریع لیست‌شان باید آماده شود و سپس شماره تماس، شماره پروانه، و کد ملی مهندسان بلافاصله روی میز وزیر محترم بهداشت قرار بگیرد تا ایشان هم فوراً دستور تزریق واکسن در مراکز واکسیناسیون را صادر کنند. بحث سن افراد هم در فهرست پرریسک و کم‌ریسک مطرح نیست. اسامی افراد در هر سنی که در لیست آمده باشد، واکسن کرونا

وی توضیح داد: در واقع، دیگر سازمان نظام مهندسی ساختمان به ازای تزریق واکسن به ازای هر نفر نخواهد ۷۵۰ هزار تومان بدهد و یا بخواهیم از اعضای سازمان بگیریم. حساب کردیم در جمع کامل ۵۵۰ هزار نفر و هر کدام دو دوز، یک میلیون و ۱۰۰ هزار دوز واکسن می‌شود که این تعداد با افزودن همسران مهندسان به دو میلیون و ۲۰۰ دوز واکسن افزایش می‌یابد. بر همین اساس، با محاسبه هر دوز واکسن ۷۵۰ هزار تومان، در جمع ۷۰۰ میلیارد تومان بار مالی در پی خواهد داشت که اصلاً از طاقت سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها و همچنین توان اکثریت اعضا خارج بود.

وی تأکید کرد: پیش بینی سازمان نظام مهندسی ساختمان این بود که این موضوع به یک بحران اجتماعی سنگین در جامعه مهندسی منجر خواهد شد و هیچکس هم پاسخگو نخواهد بود.

مهندس خرم ادامه داد: خدمت آقای دکتر نمکی عرض کردیم و ایشان با بزرگواری تقبل فرمودند که در گام نخست، واکسن پرریسک‌ها را به صورت

مهندس خرم توضیح داد: در واقع، دیگر سازمان نظام مهندسی ساختمان به ازای تزریق واکسن به ازای هر نفر نخواهد ۷۵۰ هزار تومان بدهد و یا بخواهیم از اعضای سازمان بگیریم. حساب کردیم در جمع کامل ۵۵۰ هزار نفر و هر کدام دو دوز، یک میلیون و ۱۰۰ هزار دوز واکسن می‌شود که این تعداد با افزودن همسران مهندسان به دو میلیون و ۲۰۰ دوز واکسن افزایش می‌یابد. بر همین اساس، با محاسبه هر دوز واکسن ۷۵۰ هزار تومان، در جمع ۷۰۰ میلیارد تومان بار مالی در پی خواهد داشت که اصلاً از طاقت سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها و همچنین توان اکثریت اعضا خارج بود.

وی تأکید کرد: پیش بینی سازمان نظام مهندسی ساختمان این بود که این موضوع به یک بحران اجتماعی سنگین در جامعه مهندسی منجر خواهد شد و هیچکس هم پاسخگو نخواهد بود.

مهندس خرم ادامه داد: خدمت آقای دکتر نمکی عرض کردیم و ایشان با بزرگواری تقبل فرمودند که در گام نخست، واکسن پرریسک‌ها را به صورت

مهندس خرم توضیح داد: در واقع، دیگر سازمان نظام مهندسی ساختمان به ازای تزریق واکسن به ازای هر نفر نخواهد ۷۵۰ هزار تومان بدهد و یا بخواهیم از اعضای سازمان بگیریم. حساب کردیم در جمع کامل ۵۵۰ هزار نفر و هر کدام دو دوز، یک میلیون و ۱۰۰ هزار دوز واکسن می‌شود که این تعداد با افزودن همسران مهندسان به دو میلیون و ۲۰۰ دوز واکسن افزایش می‌یابد. بر همین اساس، با محاسبه هر دوز واکسن ۷۵۰ هزار تومان، در جمع ۷۰۰ میلیارد تومان بار مالی در پی خواهد داشت که اصلاً از طاقت سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها و همچنین توان اکثریت اعضا خارج بود.

وی تأکید کرد: پیش بینی سازمان نظام مهندسی ساختمان این بود که این موضوع به یک بحران اجتماعی سنگین در جامعه مهندسی منجر خواهد شد و هیچکس هم پاسخگو نخواهد بود.

مهندس خرم ادامه داد: خدمت آقای دکتر نمکی عرض کردیم و ایشان با بزرگواری تقبل فرمودند که در گام نخست، واکسن پرریسک‌ها را به صورت

مهندس خرم توضیح داد: در واقع، دیگر سازمان نظام مهندسی ساختمان به ازای تزریق واکسن به ازای هر نفر نخواهد ۷۵۰ هزار تومان بدهد و یا بخواهیم از اعضای سازمان بگیریم. حساب کردیم در جمع کامل ۵۵۰ هزار نفر و هر کدام دو دوز، یک میلیون و ۱۰۰ هزار دوز واکسن می‌شود که این تعداد با افزودن همسران مهندسان به دو میلیون و ۲۰۰ دوز واکسن افزایش می‌یابد. بر همین اساس، با محاسبه هر دوز واکسن ۷۵۰ هزار تومان، در جمع ۷۰۰ میلیارد تومان بار مالی در پی خواهد داشت که اصلاً از طاقت سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها و همچنین توان اکثریت اعضا خارج بود.

وی تأکید کرد: پیش بینی سازمان نظام مهندسی ساختمان این بود که این موضوع به یک بحران اجتماعی سنگین در جامعه مهندسی منجر خواهد شد و هیچکس هم پاسخگو نخواهد بود.

مهندس خرم ادامه داد: خدمت آقای دکتر نمکی عرض کردیم و ایشان با بزرگواری تقبل فرمودند که در گام نخست، واکسن پرریسک‌ها را به صورت



# دریاکان

۲

سال سوم

شماره ۴۵

چهارشنبه ۲۳ تیر

۱۴۰۰

۳ ذی الحجه

۱۴۴۲

ژوئیه ۲۰۲۱

قیمت ۳۰۰۰ تومان

داستان



آدم بزرگ‌هاست.»

با این حال یک روز سوبیج ماشین را برداشت و گفت: «بابایی امشب که مهمونی دعوتیم، من رانندگی کنم؟»

-نه بابایی، پشت فرمون ماشین بشینی قَدّت نمی‌رسه که جاده رو ببینی و خنای‌نکرده تصادف می‌کنیم.

پرستش کوچولو اخم کرد، رو به مامان، که برای مشتری‌اش لباس می‌دوخت، گفت: «مامانی قدّم به چرخ خیاطی می‌رسه اجازه می‌دی لباس مشتری را من بدوزم؟ خسته شدی این‌قدر که سرت رو پایین گرفتی.»

مامان سرش را بلند کرد.

-قربون دختر زرتکم برم من، سوزن چرخ خیاطی خطرناکه نباید دست بزنی؛ اما بهت قول می‌دم بزرگ‌تر که شدی برمت خیاطی صدیقه خانم، منم خیاطی رو از اون یاد گرفتم.

پرهام نویسنده بود و داشت داستان تازه‌ای می‌نوشت، یک‌دفعه از توی آتافش داد زد:

- آبی‌چی جون باید صبر کنی، راه دیگه‌ای وجود نداره.

پرستش کوچولو عروسکش را بغل کرد، پشت پنجره رفت و به خیابان نگاه کرد. ترافیک زیاد بود و بعضی ماشین‌ها پشت چراغ‌قرمز بوق می‌زدند. صدیقه خانم آموزشگاه خیاطی‌اش را باز کرد و برای پرستش کوچولو دست تکان داد.

پرستش با خوشحالی به او دست تکان داد. به صورت عروسکش نگاه کرد و گفت: «وقتی خیاطی یاد بگیرم مامانی بهم پارچه می‌دهی، اون وقت برات لباس‌های قشنگ و رنگارنگ می‌دوزم.» عروسکش را روی تخت خواباند و سه‌تا نقاشی قشنگ کشید. او نقاشی کشیدن را بیشتر از هر کار دیگری دوست داشت.

\*\*\*

مدتی بعد یک اتفاق بد و ناراحت‌کننده افتاد. مامان و بابا کارهای عجیبی انجام می‌داند. بچه‌ها را شهربازی و پارک نمی‌برند و می‌گفتند خطرناک است. پرستش و پرهام نمی‌دانستند که تاب و سرسره چه خطری برای آن‌ها دارد. مشتری‌های مامان که زنگ می‌زدند به آن‌ها می‌گفت: «بخشید دیگه خیاطی نمی‌کنم.» اگر هم اصرار می‌کردند، چند تا سرفه می‌زد، مشتری‌ها زود قطع می‌کردند. دیگه به جای خیاطی، هر روز دستگیرها و وسایل را ضدعقونی می‌کرد. بابا هم خانه‌نشین شده بود و به مغازه‌اش نمی‌رفت.

کار عجیب دیگری که کردند برای ما گوش‌ی و تبلت خریدند تا آنجا درس بخوانیم. از آن روز مدرسه رفتن هم قدغن شد. البته بچه‌ها نه مریض بودند و نه کار اشتباهی کرده بودند. بابا و مامان هم بد اخلاق و بدجنس نشده بودند یا وسواسی، بلکه دلایلش بیماری کرونا بود. این بیماری باعث شده بود همه‌ی مدرسه‌ها و خیلی از شغل‌ها تعطیل شوند. با ساعت کارشان کم شود.

تلویزیون هر روز برنامه‌های زیادی درباره کرونا پخش می‌کرد. دکترها، مجری‌های تلویزیون، گویندگان خبر، همه و همه هر روز در تلویزیون تکرار می‌کردند: «کرونا بیماری‌ای شبیه سرماخوردگی و آنفولانزا است، ولی خطرناک‌تر است. هنوز دارویی ندارد، که به بیمارها بدهند تا زود خوب شوند. تنها راه بیمار نشدن بیرون نرفتن از خانه است و کسانی که مجبور شوند برای کارهای ضروری بیرون بروند، باید از ماسک و دستکش استفاده کنند»
وقتی به خانه بازگشتند دست‌هایشان را ایستت نایبه بشویند. با هیچ‌کس رپووسی نکنید و دست ندهید.» اول و آخر برنامه‌ها می‌گفتند مواظب سلامتی خود و بچه‌هایتان باشید.

پرهام و پرستش که مجبور بودند از صبح تا شب در خانه بمانند، حسلی حوصله‌شان سر رفته بود. یک روز صبح پرستش کوچولو از خواب بیدار شد، از پنجره خیابان خلوت را تماشا کرد. خیاطی صدیقه خانم هم تعطیل بود؛ با ناامیدی گفت: «چه بنا همه جا تعطیله. حالا چطوری می‌تونم کارهای بزرگ یاد بگیرم، وقتی مجبورم صبح تا شب توی خونه باشم؟»

پس از صبحانه، تبلتش را برداشت و با مامان در کلاس‌های برخط (آنلاین) مدرسه شرکت کرد. با قدت به حرفه‌های معلمش گوش می‌داد. وقتی داشت مشق‌هایش را می‌نوشت متوجه شد پرهام به حرفه‌های معلمش گوش نمی‌دهد و به گوشه‌ای خیره شده و به فکر فرورفته است. از مامان پرسید: «اجازه هست برم خیاط و بازی کنم؟»

-بله دخترم.

و ماسک پارچه‌ای آبی‌رنگ را که خودش دوخته بود، به او داد. پرستش کش‌های ماسک را دور گوش‌هایش انداخت و به پرهام گفت: «میای بریم خیاط، بازی کنیم؟» پرهام کتاب را جلوی صورتش گرفت.

-نه؛ درس دارم.

-خودم دیدم حواست به کلاس نبود، اگر نیای به مامان می‌گم.

-باشه حالا که اصرار داری میام. از پله‌ها بریم یا آسانسور؟

پرستش کوچولو سریع در را باز کرد و از سه‌طبقه پایین دوید. در حیاط اسکوتر بازی کرد. پرهام

به قلم: مژگان دری بخش

دلنویشته



به رود برخورد می‌اندیشم ...
به شروع و سرچشمه‌اش...

لحظه‌ای که لبریز از امید در مسیر آرزوهایش روان می‌شود.

سرمرست و
نغمه خون و بی پروا...

تکاپویی سرشار از آرامش...

باران های بی امان را دل دریایی اش جای می دهد و جاری تر می شود...

هرچند دل های سنگ مسیرش را می بنندند، روی بی امان و امیدوار ادامه می دهد

سنگ ها بر جای می مانند اما او...همچنان لبخند زنان می گذرد...

به قلم: زهرا وجدانی

دلنویشته



دو مهر از رو؟

پیراهنی سرخ؛

پنبه دانه ها را در ورق های؛

انتهای پاییز با نارودن ازغوانی داشته

چماه ای رنگ خون؛ که تپش قلبم در جریان تنت هویدا شود؛
یاد ندارم! که گفته باشی اجنبی دست در گریبان

به قلم:عطیه‌محمدی(ویراستار)

معرفی کتاب



این جشنواره شد.

رضا غفوری نخستین اثرش را با نام «خاکستری» را در سال ۹۷ به چاپ رساند. این داستان درباره توله سگی است که در کوپتبه دزفول زندگی می‌کند و می‌خواهد از آن‌هایی که خانواده‌اش را کشته‌اند انتقام بگیرد؛ در این راه جوانی مویلد از ساکنان کوپتبه برای مراقبت و آموزش مهارت‌ها به خاکستری می‌کوشد و ...

خاکستری پس از چاپ مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت و فایل صوتی آن نیز در استان قم با گویندگان خوبی تهیه و منتشر شد.

کتاب «نادیا هنوز آنلاین است» نیز دومین اثر رضا غفوری است که در سال ۹۸ منتشر شد و موضوعی عاشقانه دارد. این کتاب با بردن خواننده به فضای دلخواه و تخیلی خود، تلاطم‌های

روی دوچرخه نشست و به گل‌های نرگس توی باغچه خیره شد. ناگهان از خیابان صدای آژیر آمبولانس را شنیدند. چند دقیقه بعد، آمبولانس با سرعت از خیابان رد شد. پرستش کوچولو با تعجب به خیابان نگاه کرد؛ کنار درخت‌ها و پیاده‌و ماسک و دستکش افتاده بود. با خودش گفت: «خیلی وقته که شهربازی و گردش نرفتم، حتما قدّم بلندتر شده و مامان اجازه می‌ده که کمکش شام درست کنم.» اسکوتر را در پارکینگ گذاشت و تندی از پله‌ها بالا دوید و به آشپزخانه رفت.

- منم می‌خوام شام درست کنم.

- دخترم، گاز خطرناکه هروقت مثل من قَدّت از گاز بلندتر شد، اون موقع اجازه می‌دم.

پرستش کوچولو با اخم دست‌هایش را زیر بغل زد. مامان از داخل یخچال چند تا گوجه برداشت. یک چهارپایه کنار ظرف‌شویی گذاشت و گفت: «اِراحت نباش، بیا گوجه‌ها رو تمیز بشور سِرخ‌شون کنیم؛ برای شام با کلتلت بخوری و زودتر قَدّت بلندتر بشه.»

پرستش کوچولو وقتی روی چهار پایه ایستاد به‌راحتی توستت شیر آب را باز کند. لبخند زد و توی دلش گفت:
\_قدّ بلند چقدر خوبه!

گوجه اول را که کمی خاکی بود، برداشت و آن را تمیز شست؛ بعد گوجه دوم، سومی و چهارمی، همه‌ی آن‌ها را توی سبد روی میز گذاشت.

- ممنون دخترم که به من کمک کردی. داداش و بابا رو صدا بزن که شام بخوریم.

پرهام دلالت می‌نوشت؛ اما با ناراحتی هی کاغذها را مچاله می‌کرد و در سطل می‌انداخت. پرهام با خودش گفت: «اَه چقدر بد نوشتم. چرا چیزی به ذهنم نمی‌رسه؟ ازس که توی خونه موندم خنگ شدم.» پرستش کوچولو با خودش فکر کرد داداش من که نویسنده است و سه‌تا کتاب چاپ کرده، چرا حالا نمی‌تواند بنویسد.

جلو رفت و گفت: «به من دفتر و مداد بده، می‌خوام داستان بنویسم و بهت کمک کنم.»
\_تو که خوندن و نوشتن بلد نیستی ایچی من!

پرستش کوچولو اخم کرد؛ اما به حرف‌های داداشش توجه نکرد. وقتی نوشتنش تمام شد، آن را نشان داد و گفت: «من بلدم، معلم، خانم صدیقه در چغنی، بهم یاد داده، ببین.»

پرهام برگه را گرفت؛ او در چند خط تمیز و مرتب، ا، ب، پ، ت، س و در چند خط دیگر از یک تا پنج نوشته بود.

- کسی نمی‌تونه داستان تو رو بخونه؛ تازه داری پیش‌دستانی می‌خونی، باید صبر کنی.

پرستش کوچولو می‌خواست بزند زیر گریه؛ اما با خودش گفت: «هن دیگه بزرگ شدم و مدرسه می‌روم، نباید گریه کنم.»

به آتافش رفت، دفتر نقاشی‌اش را باز کرد. در سمت چپ یک چهار گوش کشید؛ داخل چهار گوش چهار پنجره کشید، دوتا بالا دوتا پایین. بیرون چند تا بچه کشید که دست‌های همدیگر را گرفته بودند و می‌خندیدند. در وسط صفحه یک چهار گوش بلند کشید با کلی پنجره. پشت یکی از پنجره‌ها خانمی را کشید که دست تکان می‌داد. بعد دستش را روی نقاشی گذاشت و عکس دستش را چند جای صفحه کشید. در آخر، چهار گوش‌های کوچک کشید که دو طرفشان دایره داشتند.

نقاشی را به پرهام نشان داد. او با تعجب به نقاشی نگاه کرد. با اینکه از چهار گوش‌ها خوشش نیامد؛ اما برای اینکه دوباره او را ناراحت نکند، گفت: «وای چه نقاشی قشنگی!» و برایش بلند دست زد. صدای دست زدن پرهام مامان و بابا را کنجکلو کرد. به اتاق آمدند.

- چی شده چرا دست می‌زنی؟

-ببینید نقاشی کشیدم.

- آفرین دخترم! چه نقاشی قشنگی.

اما آن‌ها هم نفهمیدند او چی کشیده؛ برای همین، بابا پرسید: «دختر گلم چی کشیدی؟»

-این ساختمون کوچک، مدرسه‌مونه. من و دوستانم شنیدا و دولولهای بینی‌اسدی بازی می‌کنیم. خوب شوند.

بابا گفت: «چرا این‌قدر دست کشیدی؟»

-بابایی این‌ها دستکُشه، آن‌ها هم ماسکه، که مردم توی خیابان ریختند. وای پیام رفت رنگر زحمتکش رو بکشم؛ اما حالا روز است، رنگرها شب می‌آیند و هر چی را آدم‌های بی‌انضباط روی زمین ریختند، جمع می‌کنند.

مامان و بابا بلند دست زدند.

-داداش تو چرا دست نمی‌زنی؟

پرهام صدایش را شنید؛ چون نتدندند در دفترش داستان می‌نوشت، نقاشی را از دست پرستش گرفت و گفت:

- آبی‌چی جون چه داستان قشنگی گفتی. نقلشیت رو می‌خوام توی کتابم چاپ کنم.

مامان و بابا هورا کشیدند و گفتند:

- ما به شما دوتا افتخار می‌کنیم.

- هورا... هورا... هورا... من می‌خوام یه نقاش بزرگ بشم. چقدر خوبه دیگه لازم نیست صبر کنم تا قدّم بلند بشم.

اکنون را در یاب

دست مرا بگیر، با من به حال سفر کن
باور کن در گذشته چیزی دست‌گیرت نمی‌شود که آنقدر
جست‌وجو می‌کنی
دست مرا بگیر و بیا زندگی کنیم
حیاتی‌ترین وقت تو را از دست نده
بیا در پس این دقایق پسر از دحام
مرحمی باشم برای زخم
های همدیگر

بیا تا حال خوب را باهم تجربه کنیم

نمی‌گویم به همدیگر قول بدهیم
اشتباه نکنیم، قول بدهیم
گله نکنیم یا وقت‌هایی که دلمان از عالم و آدم می‌گیرد

نلمه

هر روز برایت نامه می‌نویسم

شاید روزی پستی‌چی مهربان

با نوای زنجیر دوچرخه کهنه‌اش

جاده‌های غم گرفته را طی کند

با کوله‌باری از نامه‌های عاشقانه‌ی من

که برای تو سروده‌ام

اگر دست‌یاد به نامه‌هایم برسد

شاید کبوتران سپید

با بال‌های خونین

دل‌تنگی‌های مرا

بر سریم‌های دکل‌های برق بخوانند

یا قاصدک‌ها سبک‌بال

در گوش نسیم قصه‌تنبهایی مرا

نچو!کنند

گوشه‌ی عزلت

نشسته بودم گوشه‌ی عزلت

به دستان شکسته‌ام نمک می‌زدم

داشتم خودم را می‌خوردم

شعری از دلم

شعری که شبیه تو بود

زیاد و فریبنده

در دیده‌گامم،رقصید

خنخید

و چون سیمرغ

در آسمان بر کشید

نشسته بودم گوشه‌ی عزلت

سُتر احساس‌هایم را بریده بودم

می‌خواستم

نه این باشم و نه آن

شعر ودلنویشته



اشک نریزم.

اما بی‌یا قول بدهیم در کنار اشتباهاتمان

بزرگ شویم، بی‌یا قول بدهیم دست

همدیگر را رها نکنیم.

دست مرا بگیر

آرام باش

همه چیز تحت کنترل ماست

بی‌یا باهم کمی به جای فکر کردن‌های پی در پی، زندگی را زندگی کنیم.

پری‌ساعسگرزاده



شاید باران سخت بگیرد

ابرها سخت بکوبند

باد شتابان گرد خود بپیچد

خورشید بر زمین چشم‌ببندد

و ماه رخ ببوشاند

شاید در فصلی نو

درختان سیاه‌بوشوند

و از زمین تنها خار بروید

دیگر هیچ برنده‌ای

بر هیچ درختی لانه نسازد

تا روزی که باز تو را ببیام

در میان انبوه واژگانی

که بر کاغذ سفید نوشتم

فرزانه آتشفراز



کافه

هر شب تو هم شبیه من آیا کلافه‌ای ؟

با دود و دم می‌جابه شده کنج کافه‌ای ؟

من در میان سفره رنگین عشق تو

افتاده ام چو گوشه‌ی نان اضافه‌ای

وقت طلوع کردنت از پشت پلک هام

حاشا که نیست ماه به این خوش قیافه‌ای

چشم کدام مرد تماشات می‌کند

وقتی بشانه‌ی می‌کشی انبوه بافه‌ای

در حسرت‌م چگونه پس از خواب می‌کشد

با شب بخیر، ، بوسه به رویت ملاقه‌ای

«تقدیر ما تحمل دوری و دوستی است»

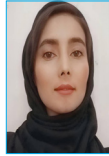
یعنی هنوز هم پی مشت‌ی خرافه‌ای

آتش گرفته مزرعه‌ی قهوه در سرم

بی تو اتاق من شده مانند کافه‌ای

سامان ساردویی

ایرج انصاری فرد



ازمیان انبوه درختان

چون ماری بخود می‌پیچد

وسپنه خیز به پیش می‌تازد

به ساحل می‌رسد

دریا را منتظر خویش می‌یابد

به آغوشی گشاده و گرم

و...پس از آن

دیگر یک پیکر را می‌بینی

دیگر رودی در کار نیست

هرچه هست

یگانگی دوبیگر هست

تاابدیتی نامعلوم

نادیا قهرمانی کیا

Winter flower

گل زمستونی

In the chilling winter wind, under the deep footprints, I bloom alone

در یه باد زمستانی سخت و سرد‌ترزیر عمیق ترین رد پا‌زه تنهایی رشد کردم

and wander, searching for the reasons why I was born and why I met you

و کنجکاو گشتم و گشتم تا دلیل بودنم رو بفهمم
تا اینکه تو رو دیدم

The sigh that scatters, white, is my tears, frozen

اَه سفیدی که تو هوا پخش شد، اشک های من که یخ زده

The abandoned dreams bear another scar

روباهای قشنگ ترک شده ایی که جای زخم دیگه ای رو روی روحم گذاشته

Where would the end of this season be

پایان این فصل کی خواهد بود؟

.If there is an eternity

حتی اگه تا ابد طول بکشه

Hold on hold on hold on

طاقت ببار طاقت ببار طاقت ببار

I will take it away before you stumble

من از بیشش می برم قبل از اینکه از بین بری

.I will stay by your side until you survive

من کنارت می مونم تا وقتی که نجات پیدا کنی

hoping you would bloom

به امید اینکه رشد کنی، شکوفه بدی

Why is it that I met you

چرا تو رو ملاقات کردم

of all days and all places, right now, right here, on this winter day

بین همه روز ها و همه ی مکان ها، چرا الان اینجا، توی این روز زمستونی

when spring feels far away when I close my eyes

اونم درست وقتی که چشمام رو که می بندم حس می کنم بهار دوره

and where it's full of cold breaths

و جایی که پر از نفس های سرده

من به رنگ سرخ متولد شدم،از خون خودم که توی زمستون سرد و سخت ریخته شد

Plum blossom in the snow, camelia, daffodil

شکوفه آلبو توی برفه، گل کاملیا، گل نرگس ( تمام این گل ها به دلیل رشد کردن در زمستان نماد شکیبایی و صبوری و تحمل درد و رشد در شرایط سخت هستند)

Yeah, I'm okay with whatever you call me

آره، هر چیزی که دوست داری صدا م کن، من مشکلی باهات ندارم

They say life is full of paradox





■ **به قلم:** **آیدا عالی پور**  
(مسئول سایت نشریه دریاکنار)

بازار قدیمی بوشهر، متعلق به دوره‌ی قاجار است. در این بازار، حدود ۲۵۰ باب مغازه وجود دارد که اجناس مختلفی را عرضه می‌کنند. نکته‌ی جالب در مورد این بازار این است که اقلیت‌های مذهبی یهودی، مسیحی و مسلمانان در کنار هم به خوبی و خوشی کار می‌کنند و روزگار می‌گذرانند.

این بازار، در بافت قدیمی و فرسوده‌ی شهر، محله‌ی دهدشتی قرار دارد. بازار قدیمی بوشهر، یکی از زیباترین و شلوغ‌ترین مکان‌های شهر بوشهر و محل خرید و فروش اجناس مختلف است.

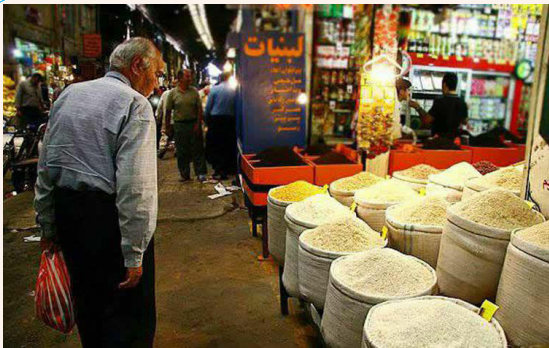
بازار قدیم بوشهر، با داشتن معماری منحصربه‌فرد و زیبا، جایگاه خاصی در صنعت گردشگری بوشهر دارد. این بازار، از یک اسکلت‌بندی و کریپدور اصلی با جهت جنوبی-شمالی با معماری دلنواز، نورگیری عالی و تهویه‌ی مناسب درست شده است. بازار در فصل زمستان، در برابر بارش برف و باران و در تابستان، در برابر گرمای شدید بسیار کارآمد است که همه‌ی این موارد به خاطر معماری زیبا و مناسب بازار است.



■ **به قلم:** **محمدحسین الهی**  
(دانشجوی دکتری و مدرس دانشگاه)

مهندسی نظام اجتماعی، کار آمد ترین روش های نوین مدیریت را به منظور به کار گیری توانمندی های فکری و جسمی کلیه منابع انسانی متعهد و متخصص در سطوح مختلف این سامانه اجتماعی. نیاز دارد. این مدیریت، همان مدیریت کیفیت فراگیر است. در این مدیریت به طراحی، انتخاب تکنولوژی و فرآیند های مناسب متمرکز دارد
یاد دهی ، یاد گیری، مشارکت فراگیران، توجه به نیاز های کار گزاران و شروع اندازه گیری میزان اثر بخشی آموزش تاکید می شود. مدیریت کیفیت فراگیر فقط به نتایج بر نمی گردد و یک دیدگاه جامع نسبت به سازمان اجتماعی و

## بازار قدیمی، اجناس مدرن



این بازار دارای ورودی و خروجی اصلی است که از شمال به جنوب متصل می‌شود. به جز ورودی‌های اصلی، بازار دارای رشته راه‌های متعدد است که از مشرق به مغرب منتهی می‌شود. دو راسته‌ی مهم بازار، رئیس التجار و معین التجار نام دارد و بقیه‌ی قسمت‌ها، رئیس مخصوص خود را دارند. بازار در مراسمات و اعیاد مذهبی، محل برگزاری جشن‌ها است.

بازار قدیم بوشهر در ۲۸ اسفند ماه سال ۱۳۸۵ خورشیدی با شمارهی ۱۸۶۴۸ به عنوان یکی از آثار ملی، به ثبت رسیده است.

## مدیریت کیفیت فراگیر لازمه شهر داران

تمام فعالیت ها و فرآیند ها و جزئیات کار را در بر دارد.

مدیریت کیفیت فراگیر در سه مفهوم به شکل زیر تبیین می گردد:

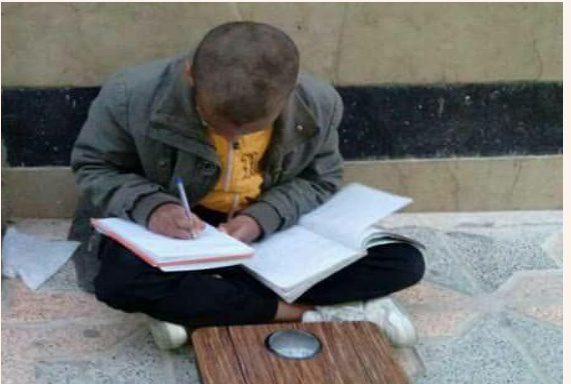
مدیریت: بر سبک مدیریتی خاص تاکید می شود که آینده نگر و هدایت کننده است.

کیفیت: بر ضرورت ارائه خدمات و کالاهای با کیفیت به شکل مستمر و با تاکید برخوابسته افراد نظام اشاره دارد.

فراگیر: نشان دهنده آن است که فلسفه مدیریت مشتتمل بر کلیه جنبه های سامانه اجتماعی و کلیه افراد ذیربط است.

موفقیت شهرداران در این است که این روش کار آمد نوین مدیریت را بکار گیرند و برای اعتلاء و پیشبرد این سیستم مدیریتی با دانشگاه ها، ومنابع و مآخذ این سامانه ارتباط ارگانیک برقرار نمایند

## کودکانی که آرزوهایشان را ارزان می فروشند



پیدا می کند و بزهکاری آنها کم کم شروع می شود. گروه سوم کودکان خانواده های خیابانی هستند که به همراه خانواده خود در خیابان زندگی و کار می کنند. وضعیت آنها با فقر خوره بوده است. گروه چهارم تماس خود را با خانواده قطع کرده اند و تمام وقت خود را در خیابان می گذرانند و کودکان خیابانی واقعی هستند. اما قریب تر دردید تنها علت کار کودک نیست. عواملی همچون اعتیاد والدین، طلاق، کودک آزاری، فرار از خانه، مهاجرت و… می تواند باعث بستری شود که کودک به جای بازی و سرگرمی و تحصیل به سمت اشتغال برود.

هرچند دو مرکز حمایتی برای نگهداری این کودکان در استان وجود دارد اما امکان حمایت صدرصدی از این کودکان فراهم نیست. بی شک جمع آوری شیوه درستی نیست باید از منشأ تولید این پدیده شروع به کار کنیم وگرنه در خیابان هیچ اتفاقی نمی افتد چرا که امروز جمع می کنند و فردا دوباره همین رویه است.

### عکاسی

آن را بخاطر تمام چیزهایی که برای آنها ارزش قائلید بشناسید، و به این شکل شما راه عکاسی را خواهید شناخت.»

نور، گونه های بسیار زیادی دارد و هر نوع نور به نتیجه متفاوتی منجر می شود. نور می تواند ملایم و پخش شده یا شدید و مستقیم باشد. ما باید یاد بگیریم نور در موقعیت های مشخص چگونه است. وقتی خورشید پشت سر عکاس و رو به سوزه ماست، می بینیم چطور فضا، کم عمق تر می شود، رنگ ها مشخص و پراترزی تر و خطوط واضح تر دیده می شوند. اما وقتی خورشید رو به عکاس و پشت سر سوزه قرار می گیرد، می توانیم قسمت مرئی (سیلوتت □ ضد نور) و شکل سوزه ها را ببینیم ولی رنگ ها دیگر به صورت واضح مشاهده نمی شوند. وقتی نور مستقیما از راست یا چپ بتابد، سوزه حالت سه بعدی قوی به معرض نمایش گذاشته می شود.

رنگ های اصلی نور؛ رنگ های اصلی نور سه رنگ هستند، که از ترکیب این رنگ ها، رنگ های ثانویه نور بدست می آید. رنگهای اصلی نور شامل؛ قرمز؛ زرد، آبی است. طبق مینای و چرخه رنگ، رنگ ها به دو دسته گرم و سرد تقسیم می شوند. رنگ های قرمز، زرد جزء رنگ های گرم و رنگ آبی و سرد جزء رنگ های سرد هستند. از ترکیب رنگ های اصلی نور، نور سفید بدست می آید و نبود هیچ کدام از آنها سیاهی مطلق است.

دمای رنگی نور

نور هم مانند رنگ، دما دارد. نور گرم، زرد یا قرمز است و نور سرد، متمایل به آبی است. با سپری

شدن روز، هر تغییریری در رنگ نور، تصویر جدیدی ایجاد می کند. هنگام صبح، نور به صورتی و زرد متمایل است، اواسط روز به رنگ سفید مایل به آبی است، در حالی که هنگام عصر به رنگ زرد گرم و قرمز برافروخته در می آید. برای شناخت بهتر نور شروع کنید به عکاسی کردن در ساعات مختلف روز و در موقعیت های نوری مختلف، تا تاثیر نور را در عکس هایتان ببینید.

## حلوای بذر شوید

**طرز تهیه؛**

ابتدا بذرشوید را تفت داده آسیاب کرده وبا آب روی حرارت گذاشته، برای تهیه شیره حلوالشکر و زعفران و گلاب و آب را روی حرارت گذاشته تا بجوشد)

گمنه را در روغن تفت داده تا قهوه ای رنگ شود سپس زنجبیل و مخلوط آب و تخم شوید را اضافه و هم می زیمیم تا بپزد سپس شیره را کم کم اضاف کرده هم می زیمیم تا به روغن بیافتد، صمغ عربی را آسیاب وپودر کرده به مخلوط حلوها اضافه کرده تفت داده هم می زیمیم تا حلوها به قوام مطلوب برسد.

### نکات حقوقی

■ **به کوشش:** **امیرحسین حسین زاده**  
(لیسانس حقوق)



**دیون تهااتر نا پذیر**

۱۰ ادین مربوط به نفقه
۲۰مزد کارگر
۳ادین دولت

■ **الف: دین مربوط به نفقه:**

از آنجاکه نفقه برای امرا را معاش و ادامه حیات است، به استناد تهااتر ساقط نمی شود. مثلا اگر پدر تنگدستی از فرزند خود نفقه مطالبه کند، وی نمی تواند به استناد طلبی که از پدر دارد و تهااتر آن با دین نفقه، از دادن نفقه امتناع کند. درمورد نفقه زن نیزهمین قاعده قابل قبول

### حقوقی

است، جز درمورد نفقه ی ایام گذشته که دینی مانند سایر دیون است نه برای گذران زندگی و از این رو با طلب شوهر از زن قابل تهااتر است.

■ **ب: مزد کارگر**

دین کارفرما به کارگر بابت مزدکار او قابل تهااتر با طلب کارفرما از وی نیست. برابرس ماده ی ۴۴ قانون کار، کارفرما تنها مزاد بر حداقل مزدا می تواند به موجب حکم دادگاه در قبال طلب خود برداشت نماید و آن هم نباید از یک چهارم کل مزد کارگر بیشتر باشد.

■ **ج: دین دولت**

دین دولت به اشخاص نیز قابل تهااتر با طلب دولت نیست؛ زیرا تهااتر دراین مورد نظم بوجهی عمومی دولت را برهم می زند و می توان آن را خلاف نظم عمومی دانست.

## پولشویی : جرم می علیه امنیت یا اقتصاد ؟

■ **به قلم:** **مهدی دهقانی**

( مدرس و کارشناس حقوق )



اصطلاح پول‌شویی، ابتدا در دهه هفتاد در ولایات متحده آمریکا مطرح شد زیرا تجار و فروشندگان مواد مخدر وقتی مواد را به متعادلان می‌فروختند پول‌های آنان را که بوی بدی می‌داد می‌گرفتند درحالی‌که آغشته به کثافت‌هایی بود که نزد معتادان وجود داشت. بنابراین فروشندگان ترجیح می‌دادند این پول‌ها را قبل ازآن که به حساب بانکی خود واریز کنند با مواد شیمیایی یا بخار شست وشو دهند تا بو و کثیفی پول‌ها از بین برود، پس عنوان پولشویی رواج پیدا کرد.

(محمدی عبدالعظیم، غسل الموال جریمه العصر البیضا ص ۴۲.)

جرم پول‌شویی، یکی از مظاهر و آثار پیشرفت‌های اقتصادی در جهان امروز است بنابراین پدیده‌ای نوین می‌باشد و اکثر قوانینی که در حقوق داخلی کشورها به تصویب رسیده و مقرراتی که در صحنه جهانی مقرر گردیده‌است مربوط به دوران اخیر می‌باشد. جرم پول‌شویی به‌عنوان مصداقی از جرم سازمان‌یافته محسوب می‌شود و دانشمندان معتقدند هماهنگونه که جنگ سرد، مشکل قرن بیستم بود، جرائم سازمان‌یافته نیز مشکل قرن بیست و یکم می‌باشد.

پول‌شویی به مرتکبان آن، قدرت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی زیادی می‌دهد به‌گونه‌ای که می‌توانند امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و حتی جهان را تحت تاثیر قرار دهد. پول‌شویی یکی از مصداق اقتصاد مخفی یا زیرزمینی یا غیررسمی یا موزای به حساب می‌آید که به شکل نامشروع انجام می‌شود. یکی از آثار منفی پول‌شویی آن است که سرمایه‌های کشور را به خارج منتقل می‌کند و درنتیجه به تولید و تعادل نرخ ارز و ایجاد فرصت‌های شغلی لطمه می‌زند و دولت از گرفتن مالیات‌های آن محروم می‌شود. ازآن جا که فعالیت‌های نامشروع درآمد سرشاری دارد اموالی که درنتیجه پول‌شویی، صورت مشروع پیدا می‌کنند در همین را بکار گرفته می‌شود به‌جای‌ای آنکه برای تولید ملی، مصرف‌شوند. ازآنجاکه زحمت زیادی برای بدست آوردن آن‌ها صورت نگرفته‌است پس کالاها یا قیمت بالا خریداری می‌شود و موجب افزایش قیمت‌ها می‌گردد(زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی ص ۱۲۶)

جرم پول‌شویی جرم ساده‌ای نیست بلکه جرمی مرکب می‌باشد که از سه مرحله تشکیل می‌شود.این مراحل ممکن است در یک زمان صورت گیرد اما معمولا طی این مراحل، مدتی به طول می‌انجامد:
■ **مرحله اول: مقدماتی یا پیش پول‌شویی**

این مرحله که مرحله مقدماتی پول‌شویی محسوب می‌شود، مرحله‌ای مهم و درعین‌حال بسیار خطرناک برای مجرمان به حساب می‌آید زیرا اموال یا پول‌های فراوانی باید به حساب‌های بانکی واریز شود یا با آن‌ها معاملاتی صورت گیرد تا تبدیل به اموال پاک دیگری شوند. پس احتمال کشف جرم در این مرحله از سوی سازمان‌ها و مأموران متخصص زیاد است برهمین اساس مجرمان راه‌های گوناگونی را انتخاب می‌کنند تا موجب ظن مأموران نشود به‌عنوان نمونه پول‌ها را تبدیل به اجزای کوچک‌تر نموده و به حساب‌های مختلف واریز می‌کنند.
■ **مرحله دوم: مرحله استتار**

پس‌ازآن‌که مرحله‌ی قرار دادن اموال و پول‌های کثیف تر در بانک‌ها محقق شد، مرتکبان پول‌شویی وارد مرحله دوم می‌شوند که در مرحله استتار یا شستشو یا شستبایی می‌تحریک یا لایه گذاری یا جداسازی نامیده می‌شود. این مرحله شامل عملیات مالی پیچیده‌ای است که به منظور قطع کامل ارتباط میان این اموال و منابع نامشروع آنان صورت می‌گیرد به‌گونه‌ای که برقرار کردن ارتباط میان این اموال و منابع واقعی آن‌ها امری دشوار و بلکه ناممکن شود. هدف از این مرحله مشروعیت بخشیدن به اموال کثیف است که از راه‌های گوناگون صورت می‌گیرد.

■ **مرحله سوم: مرحله بازگردانی**

این مرحله که مرحله تبدیل یا ادغام یا یکپارچه‌سازی یا خشکاندن پول های شست وشو شده، نیز نامیده می‌شود، اموال درواقع کثیف و در ظاهر پاک، وارد گردونه معاملات اقتصادی مشروع می‌شود. در این مرحله، اموال نامشروع با اموال مشروع ادغام می‌گردد یا معاملات

### وام تور واکسن ارمنستان!



■ **به قلم:** **وحید حاج سعیدی**

(طنز نویس و روزنامه نگار)

خدا وکیلی بی خیالی و ندانم کاری هم حدی دارد! یک عده شورش را در آورده اند. این روزهای که پیک ها یکی پس از دیگری در حال آمد و شد هستند و ویروس کرونا ی دلنا، الفلا، آفریقایی، انگلیسی، هندی و … کل دنیا را فرا گرفته اند، هنوز برخی از هموطنان کرونا را باور ندارند و نه تنها ماسک روی دماغ شان نمی گذارند، بلکه موقع صحبت کردن توی حلق همدیگر می روند!

البته با روی حق نگذاریم خلق الله همه این طور نیستند و با وجود اینکه جماعت کثیری نسبت به کرونا بی تفاوت هستند، عده دیگری حاضرند برای تزریق واکسن کوفتی کرونا تا ارمنستان با تاسکی و اتوبوس و حتی پای پیاده بروند. در جریان هستند که این روزها کشور دوست و برادر ارمنستان باب واکسن را برای گردشگران خارجی باز کرده است و به نیت ثواب خلائق را رایگان واکسنه می‌کند! به قولی «دوست آن باشد که گیرد دست دوست / در پریشان حالی و در پاندمی!» ملت همیشه در صحنه هم از این فرصت استفاده کرده و حملهسه جدیدی در مرز ورودی ارمنستان با ایران خلق کرده اند! در این گیر و دار واکسن و رعایت پروتکل ها و … دسته دیگری هم هستند که زیاده به واکسن و دارو و به طور کلی صنعتی

### ضرب المثل های بوشهری به زبان انگلیسی

**سور. sur:** شور و شوری را گویند.
**سوه. suveh:** تیره، نزاد.

**سوا. sova:** صورت، روی و رخ انسان.
**هر چه‌زای یک ناخدایی لازم دارد:** هر کشوری یک فرمانروایی می‌خواهد.
**همیشه «او» روی مولی کوتاگو او می‌گردد:** نظیر همیشه ضعیف پایمال است.

**هم چیم براز خلقن:** (همه چیزم جدای خلق است) بسیار فلک زده هستم، هیچ کارم مثل مردم نیست، همه کارهایم برعکس کارهای مردم است.



## منیزیم (Mg) به عنوان عاملی جهت تقویت سیستم ایمنی



کاهش عملکرد ریه، به ویژه در موارد آسم ششود. رازاک و همکاران همچنین اضافه کردند که برای ویتامین D به منیزیم نیاز است زیرا تمام آنزیم های متابولیکی vITD به منیزیم نیاز دارند که به عنوان محرک واکنش در کبد و کلیه ها نشان داده می شود. در بزرگسالان، هیپومنیزمی منجر به نوع بالینی نامشخصی با مار کراهی عصبی عضلانی مرکزی و محیطی می شود، مانند سندرم خستگی مزمن، بیماری های اترار بارلو، اسپاسموفیلی، سندرم هیپوناتریاسیون، آستانه گردش خون عصبی. کرایس و همکاران اظهار داشت که MgSO۴ ممکن است در جلوگیری از التهاب غشای جنین تولید شده توسط عفونت ویروسی -باکتریایی پلی میکروبی مفید باشد.

عملکرد منیزیم در ریه را می توان در سه استاندارد تفسیر کرد: منیزیم دارای اثر گشادکننده عروق و پروتوکولایتوتور حاد است. میلی گرم آزادسازی استیل کولین و هیستامین را کنترل می کند. منیزیم به عنوان یک ضد التهاب نشان می دهد. مطالعات در مورد نقص ایمنی مرتبط با X با بیماری کمبود منیزیم (XMEN) نشان داده است که کمبود منیزیم منجر به یک واکنش ایمنی ضعیف می شود که می تواند منجر به افزایش بار ویروسی توسط اپیتشین بار (EBV) شود. به تازگی مشخص شده است که ۹۳٪ بیماران حاد و بیمار جدی با COVID-1۹ دارای هیپوکالمی هستند، که در آن هیپوکالمی نتیجه گسترده ای در موارد هیپومنیزمی است.

پس می توان به عنصر منیزیم به عنوان عاملی جهت تقویت سیستم ایمنی با دقت بیشتر توجه کرد که با انجام مطالعات بیشتر به این امر درست

■ **به قلم: خانم دکتر زهرا حسامی**

(مدرس دانشگاه)

منیزیم (Mg) یک کاتیون مهم از محصولات، انسان ها و حیوانات است و کمبود آن باعث کاهش پایداری تولید و توسعه محصولات کشاورزی می شود.

و در دراز مدت عواقب منفی بر سلامت حیوانات و انسان دارد. مهم است که محتوای منیزیم در محصولات زراعی در یک محدوده مناسب نگهداری شود زیرا این محصولات منبع اصلی منیزیم برای حیوانات و انسان ها هستند.

در انسان، منیزیم چندین نقش را بازی می کند، بسیاری از آنزیم ها را تحریک می کند و نقش های اساسی مانند هدایت عصبی عضلانی، انقباض عضله، انقباض میوکارده، کنترل قند خون و فشار خون را ایفا می کند. بعلاوه، منیزیم عملکرد قابل توجهی در متابولیسم انرژی، رشد استخوان و انتقال یون ها از طریق غشاهای دارد و در نتیجه، کمبود منیزیم به بسیاری از بیماری های مربوط می شود. تنظیم منیزیم داخل سلولی کلید حفظ یکپارچگی بافت و عملکردهای سلولی است. زیرا منیزیم نقش مهمی در ایمنی و متابولیسم دارد.

هیپومنیزمی (کمبود منیزیم) ناشناخته است، زیرا سطح آن اغلب در مواردی که ممکن است کمبود یا مازاد ایجاد شود ارزیابی نمی شود و داده ها در کشورهای پیشرفته نشان می دهد که حدود ۱۰-۲۰٪ از جمعیت از کمبود Mg تحت بالینی رنج می می شود. بسیاری از بیماری ها به کمبود منیزیم مربوط می شود مانند بیماری های متابولیک، بیماری های قلبی عروقی، بیماری های تنفسی، ناهنجاری های عصبی و اختلالات اسکلتی. معمولاً هیپومنیزمی به دلیل کاهش مصرف یا جذب ناکافی ویا دفع زیاد ایجاد می شود و تشخیص بالینی آن آسان نیست، زیرا علائم مربوط به آن خاص نیست و به طور کلی گیج کننده است. مطالعات مختلف نشان داده است که کمبود منیزیم در موارد بالینی شایع است، به ویژه در بیماران بستری در بخش مراقبت های جامع، زیرا مشاهده شده است که این امر به افزایش ماندن در بیمارستان و مرگ و میر مربوط است. کمبود منیزیم ممکن است منجر به



## پرسه زنی در فضای مجازی

سنتی در همسایگی یک فرد ایجاد کند رفتارهای پرسه زنی سایبری همانند رفتار بزهکاران جنسی مانند مردچشم چرانی ها می توانند پیش در آمد رفتارهای خطرناک دیگری باشند که برخی به بروز رفتارهای فیزیکی بزهکارانه ختم می شوند. هزینه استفاده از اینترنت اندک و دسترسی آسان یکی دیگر از موارد جلب توجه پرسه زنان فضای مجازی و دیگر رفتارچرچیان برخط از سوی اینترنت می باشد و افراد را از چشم بزه دیدگان و ردیابی ها پنهان می نماید بدین روی اماج جرم به خوبی فراهم است. رفتارهای پرسه زنی در فضای مجازی اغلب به خوبی شناخته نشده و با دیگر رفتارهای مشابه برخط از جمله رفتاربزهکاران جنسی که با اغراض جنسی به دنبال کودکان هستند، اشتباه گرفته می شود. تمامی رخدادهای پرسه زنی در فضای مجازی دارای انگیزه های جنسی نیست، بااین حال، نیت توان این حقیقت را نادیده گرفت که اینترنت به عرصه ای واقعی برای بزهکاران جنسی تبدیل شده زیرا دسترسی ساده به ده ها هزار کودک را برای شکارچیان فراهم آورده و شیوه ای کاملا جدید و منحصر به فرد برای پرداختن به کودکان از راه دور را ارائه می نماید و این می تواند پدیده ای ترس آور باشد.
اطفال و نوجوانان نیز می توانند اهداف مناسب باشند زیرا بزه دیدگی مربوط به پرسه زنان فضای مجازی هنوز جدی گرفته نشده و توجه لازم از سوی نظام عدالت کیفری نیز میندول نگردیده است.

بیشتر استفاده(ارز اصلی) پرسه زنان سایبری از ایمیل است، ایمیل این امکان را به آنها می دهد که بزرگزار به شکلی مکرر پیام های آزارزدهنده، تهدید کننده، نفرت آور و مستهجن شامل مکس، ویدئو و صوت را انتقال دهد و حتی گاهآ تعمدآ اقدام به ارسال فایل های الکترونیکی حاوی ویروس های رایانه ای یا هدف تخریب فایل های الکترونیکی بزه دیده و انتشار ویروس های رایانه ای یا هدف تخریب فایل های الکترونیکی بزه دیده نمایند.
در مواردی پرسه زنان سایبری با استفاده از نشانی ایمیل بزه دیده و دیگر اطلاعات شخصی او اقدام به مشترک شدن یا خرید کتاب، مجله و دیگر خدمات اینترنتی بدون اطلاع یا رضایت بزه دیده می نمایند. رفتاری که به ظاهر مثبت به نظر می رسد ولی در نتایج آسیب های خود را در بر دارد.

تحقیقات روانشناختی نشان می دهد پرسه زنی سایبری ناشی از عوامل مختلف در افراد همانند مشکلات روانی، اختلال روانی سندروم کلراملولت، (گونه ای اختلال گمراه سازی و فریب که فکر می کنند دیده کننده، نفرت آور و مستهجن شامل مکس، ویدئو و صوت را انتقال دهد و حتی گاهآ تعمدآ اقدام به ارسال فایل های الکترونیکی حاوی ویروس های رایانه ای یا هدف تخریب فایل های الکترونیکی بزه دیده و انتشار ویروس های رایانه ای یا هدف تخریب فایل های الکترونیکی بزه دیده نمایند.
در مواردی پرسه زنان سایبری با استفاده از نشانی ایمیل بزه دیده و دیگر اطلاعات شخصی او اقدام به مشترک شدن یا خرید کتاب، مجله و دیگر خدمات اینترنتی بدون اطلاع یا رضایت بزه دیده می نمایند. رفتاری که به ظاهر مثبت به نظر می رسد ولی در نتایج آسیب های خود را در بر دارد.

تحقیقات روانشناختی نشان می دهد پرسه زنی سایبری ناشی از عوامل مختلف در افراد همانند مشکلات روانی، اختلال روانی سندروم کلراملولت، (گونه ای اختلال گمراه سازی و فریب که فکر می کنند دیده کننده، نفرت آور و مستهجن شامل مکس، ویدئو و صوت را انتقال دهد و حتی گاهآ تعمدآ اقدام به ارسال فایل های الکترونیکی حاوی ویروس های رایانه ای یا هدف تخریب فایل های الکترونیکی بزه دیده و انتشار ویروس های رایانه ای یا هدف تخریب فایل های الکترونیکی بزه دیده نمایند.

## نشریه دریاکنار

صاحب‌امتیاز: مهندس سیدعباسی گلریز

مدیرمسئول: مهندس مهران سلطانی نژاد

سرپرست:سپهیا سلطانی نگلانی

روابطعمومی: فریدهترینچ‌مهرگان

گرافیسٲ: حدیث‌هقان

کاربراتوربست: مهندس داریوش مهرزادگان\_نگار جهانتاب

مسئول‌سایت: آیداعالی پور

هیئت تحریریه: سیده فاطمه آزمون، خانم دکتر زهراحسامی، الهام فضلی، حمیدرفیعی، مهندس مجتبی تن زاده، حمیدرضا عباسی، زهره خاکسار، فاطمه شمسی، فاطمه صالح روشن،

نشریه دریاکنار

صاحب‌امتیاز: مهندس سیدعباسی گلریز

مدیرمسئول: مهندس مهران سلطانی نژاد

سرپرست:سپهیا سلطانی نگلانی

روابطعمومی: فریدهترینچ‌مهرگان

گرافیسٲ: حدیث‌هقان

کاربراتوربست: مهندس داریوش مهرزادگان\_نگار جهانتاب

مسئول‌سایت: آیداعالی پور

هیئت تحریریه: سیده فاطمه آزمون، خانم دکتر زهراحسامی، الهام فضلی، حمیدرفیعی، مهندس مجتبی تن زاده، حمیدرضا عباسی، زهره خاکسار، فاطمه شمسی، فاطمه صالح روشن،

نشریه دریاکنار

صاحب‌امتیاز: مهندس سیدمحمدی فرد، الهام قانلی، وجیهه بای،

امیرحسین حسین زاده، وحیده صادقی، صبا کلاویان

عکاس:نارززرمجو،فاطمهسلطانی نگلانی

آدرس شمال: مارنذران، بلباسر، بلوار طالقانی،جنب پارک

شهرداری

آدرس جنوب: بوشهر، بلوار شهدای نیروی دریایی

تلفن: ۱۵۶ ۰۷۷۹۱۰۹۰-۰۱۱۳۵۳۳۶۹۷-۰۱۱۳۵۳۳۶۹۷

نمابر: ۰۲۱۸۹۷۸۲۷۹۵۰۱۱۳۵۳۳۳۲۲۳

پست الکترونیکی: DARYAAKNAR@GMAIL.COM

وب سایت: WWW.DARYAAKNAR.IR

لیتوگرافی و چاپ: نشر فرهنگ

## بر چسب شوتی، انتخاب عقلایی

فشارهایی که اعضای همان اجتماع به آن ها تحمیل نموده اند.

پس قانون گذار و به خصوص کلای مردم جنوب در پارلمان که با دردهای جامعه محلی خود به خوبی آشنا هستند جا دارد با طراحی و تدوین طرح قانونی، حمایتی، یک بار برای همیشه به این معضل اجتماعی پرآسیب پایان دهند، البته در حد کلان فراموش نکنیم تنها چند کشور فقیر دنیا عضو سازمان تجارت جهانی نیستند و ناگزیر باید مقدمات را برای هم

سویی اقتصادی با جامعه جهانی هموار کنیم و منافع اش را برای شهروندانمان دریغ نکنیم. من معتمد با تغییر برجسب قاچاق دیگر تخلف رانندگی در این قشر نخواهیم داشت و دیگر و از طرف دیگر، حمل همین بار (که به عنوان کمک معیشتی درایوردان زحمتکش پیش بینی شده) به خارج از استان با برجسب ناروای قاچاق

رو به رو خواهد بود، برجسی که نه تنها آسیب های مالی به دنبال دارد بلکه خرده فرهنگی در بین حاملان بار ایجاد کرده که هویتی نا منطبق با جامعه بر آن ها تحمیل نموده است. وقتی بار قاچاق داریم تمام قوانین دنیا از یادمان می رود. وقتی بار قاچاق داریم استرس و اضطراب ظرفی

من معتمد با حذف واژه ی ناروای قاچاق از کالای ته لنجی و حمایت رسمی در کشور تحمیل هویت منفی بر شخصیت جوانان حامل کالای قاچاق نه تنها مصداق نخواهد داشت بلکه با تاجر خواندن مالکین و حاملین در مسیر ارتقا شخصیت شهروندانمان کوشیده ایم؛ به آن ها بها داده ایم و حداقل های معیشتی را برایشان فراهم کرده ایم.

من معتمد آن چه باعث بروز و ظهور و افزایش تعداد شوتی ها شد فشارهای اقتصادی موجود ناشی از تحریم ها، تورم افسارگسیخته و در یک کلام اقتصاد شکست خورده بوده است. همه ی بار را بر دوش شهروند مجبور نگذاریم و به فکر راه چاره باشیم.

من بر این باورم با وضعیت کنونی ادامه تجاری که به بهای جان ختم می شود در یک احتساب سرانگشتی عدم صرفش را گوشزد می کند. فرزندان خاک پاک جنوب؛ به راه های کم ریسک تر هم می توان فکر کرد.



■ **به قلم: احمد رضا نوکی**

(دکترای حقوق جزا و جرم شناسی)

\_عضو هیات علمی دانشگاه

پیام نور

وکیل پایه یک دادگستری

\_پژوهشگر جرم شناس

«مطالبه گر حذف واژه ی ناروای قاچاق از کالای ته لنجی و حمایت قانونی\_رسمی»

هفته پیش پدر سه فرزند خردسال دیلمی و امروز جوانی از دیار گناهه در راه ارتزاق خانواده جان به جان آفرین تسلیم کردند و فردا بی شک این همه آسیب و عذاب برای از گان های رسمی تا خانواده های داغدار و من شهروند دغدغه مند پابانی نخواهد داشت مگر آن که با ریشه یابی مشکلات اقتصادی موجود و البته با مشارکت همه جانبه سعی بر مرتفع نمودن آن ها نماییم.

نکته اول متوجه رانندگان خط شوت و بازاریان جنوبی است و موضوع به نظریه انتخاب عقلایی در جرم شناسی بر می گردد. راستش را بخواهید؛ این که بگوئیم شوتی جرم نیست، بلکه اجبار است، در عمل چیزی را عوض نمی کند. چون برجسب قاچاق به هر حال بر این رفتار در وضعیت فعلی صدق می کند و حمایت رسمی از این امر ندارد.

به محاسبات بر می گردیم که نتایج آن، نان به نرخ جان است و آن هم نان بخور و نمیری که به هیچ وجه با ریسک های موجود از استرس و تخلفات رانندگی شهروند آزار گرفته تا تصادف و کشتن و کشته شدن هم خوانی ندارد. پس در یک انتخاب عقلایی ریسک فاکتور ها با نتایج حاصله فاقد هم پوشانی است.

از حیث قواعد حقوقی همان گونه که می دانیم یکی از ویژگی های قاعده حقوقی انعطاف پذیری



■ **به قلم: الهام فضلی**

(دبیر سروسپ بنانون نشریه دریاکنار)

نگاهی به فیلم « مرثیه یک

انقلابی رمانتیک برای جذابیت

آشکار بورژوازی»

در دو قسمت نخست مقاله

حاضر، به طور گذرا و مختصر به دو فیلم مستند «موج و مرجان و خارا» و «اربعین» نیه‌نگاهی انداختیم و بوشهر را در آینه فیلم‌های مستندی که فیلم‌سازان غیر بوشهری ساخته‌اند به نظاره نشستیم. امروز به فیلمی از بهمن کیارستمی با همکاری داریوش فریب زاده فیلمساز بوشهری

می‌پردازیم و سرگذشت کشتی تفریحی رافائل را

به اختصار مرور می‌کنیم:

\_رافائل یکی از جاذبه‌های توریستی و جلوه‌های منحصر به فرد تفریحی بوشهر در قیل انقلاب بود که در سال ۱۹۷۶ توسط رژیم پهلوی به عنوان تسویه بدهی تسهیلاتی ایتالیا که به دلیل

رکود شدید اقتصادی توانایی بازپرداخت آن را نداشتند با قیمتی بسیار نازل‌تر از ارزش واقعی کشتی خریداری شد. کشتی رافائل با پهنای

حدود ۶۰ متر و گنجایش ۱۸۰۰ مسافر، خیلی زود لقب شهرک تفریحی و تجاراتی به خود

گرفت. از جمله امکانات این کشتی می‌توان به ۶ استخر مخصوص کودکان و بزرگسالان، ۷۵۰

سویت بزرگ و کوچک، سالن‌های سینما و تئاتر، زمین‌های ورزشی، استخر، هتل، تالارهای باشکوه، سئوتوران و … اشاره کرد. هدف از خرید

رافائل این بود که در یکی از جزایر ایران مستقر

شود و جاذبه‌ای برای جهانگردان خارجی، از جمله ثروتمندان کشورهای اقیانیه خلیج فارس باشد

و قرار به نام بوشهر افتاد ولی سرنوشت جالبی

در انتظار این کشتی جذاب نبود. در زمان جنگ

تحمیلی ایران و عراق کشتی رافائل مورد هدف

موشک‌های عراقی قرار گرفت و آسیب جداترکی دید و اگرچه قابل تعمیر بود اما هیچ اقدامی

برای نجات آن صورت نگرفت. تمام تجهیزات و امکانات کشتی در حد امکان باز شد، تا آن جا

که به طور مثال، سیستم مخابراتی داخل کشتی

در پایگاه دریایی بوشهر تا سال ۱۳۸۴ به عنوان

تلفن داخلی در منازل مسکونی مورد استفاده قرار

می‌گرفت.

\_بهمن کیارستمی، زاده ی ۲۰ مرداد ۱۳۵۷ در تهران، کارگردان، مستندساز، تدوین‌گر، تهیه‌کننده

و فرزند عباس کیارستمی کارگردان مشهور ایرانی

است. از جمله فیلم‌های مستند او می‌توان به

شبه‌خوانی (هنر تفریه در ایران)، زیارت و سفری

به دیار مسافر اشاره کرد.

\_ در تیتراژ فیلم از داریوش فریب‌زاده به عنوان نویسنده نام برده شده و نام کیارستمی زیر

عنوان «تدوین و تصویر» جای گرفته فریب‌زاده،

## بوشهر در آینه فیلم های مستند

برنی‌تابد در مواجهه با یکی از بزرگ‌ترین جلوه های اشرافیت توخالی با موضعی دوگانه مواجه است. هم به این جلوه‌ی زیبا در ساحل شهرش تعلق خاطر دارد. هم آن را به دور از دیدگاه‌ها و مسلک انقلابی خود می‌بیند.

دانشان این فیلم مستند، مرثیه بر سرگذشت این مهمان ناخوانده اشرافی است. این مهمان مجلل هنگام جنگ، به دلیل این که گرایب برای پیدا کردن مختصات شهر و هدایت موشک‌های هواپیماهای بعثی ست باید به ناچار از شهر جدا

شود و دورتر از ساحل شهر در دل دریا پهلو بگیرد. مهمانی که هیچ گاه پذیرفته نشد و به عنوان یک زانده نامتجانس وموردی نمانوس با محرومیت شهر به چشم آمد، اکنون باید از شهر بیرون رانده شود و در تفریحی خود منظر مرگی قریب‌الوقوع باشد. منظر موشکی دیگر که او را به قعر آب‌ها خواهد فرستاد.

داریوش فریب زاده خود در مصاحبه مربوط به شماره ۲۲۵۴ روزنامه شرق چاپ شده در ۱۶ اسفند ۱۳۹۳ می‌گوید: «احساسی که خودم نسبت به این کشتی داشتم، این بود که به مرور زمان موجودیتی انسانی گرفت؛ یعنی دیگر فقط یک کشتی نبود، البته باید بگویم این متن را که چند صفحه بود، یک کلبه بود، بدون توقف، یکسره و دریک شب نوشته. ولی این نوشته‌ای که در دوساعت به رشته تحریر درآمد حاصل حجم خاطرات و حس‌هایم بود که سال‌ها توسط آنها به‌مانان شده بودم»

داریوش فریب زاده در ادامه به حسن دوگانه‌ی خود به این کشتی به عنوان نماینده‌ای از مردم بوشهر می‌پردازد: «هن هنوز هم چنین حسی نسبت به آن دارم، البته این حس نگاه شخصی من است. حسن کسی که در اقلیم جنوب به دنیا آمده. جنوب کشور مترادف است با حرمان، محرومیت، محرومیت‌های اقلیمی، اجتماعی، مالی و… بعد حالا با چیزی مواجه می‌شوید که چسبیده به خانه‌هایمان که متفاوت است. حتی در جاهایی احترام آن را گذاشتیم. ولی در حقیقت این وصله‌ای نبود که به ما بچسبید. ما بعد از آن سال‌ها به‌شدت دچار محرومیت بودیم. بعد اینکه کشتی آمد، خوششان هم آمد. اصلا ساده و بی‌گرمی-مشتی آدم ژنده‌پوش و گرسنه‌های است که در خیابان‌های شهرش هنرپیشه زن آمریکایی را می‌بیند که پشت فرمان اتومبیل پورشه نشسته و رانندگی می‌کند. در وهله نخست فریفته آن می‌شود، اما وقتی با خودش مقایسه می‌کند، می‌گوید من کجا او و کجاچنان اتفاقی برای ما افتاد. یعنی رافائل آمد و چسبید به ما. در حالی که به نظر من بوشهری هنوز آن حس را به او دارم، یعنی حسن خوبی به او ندارم، اما درعین حال عاشقش هم هستم»

## دانش آموخته کنسرای حقوق جزا و جرم شناسی\_مدرس دانشگاه پژوهشگر جرم شناس و جامعه شناسی جنایی)



■ **به قلم: منصوره حسینی**

(دانش آموخته کنسرای حقوق

جزا و جرم شناسی\_مدرس

دانشگاه پژوهشگر جرم

شناس و جامعه شناسی

جنایی)

اینترنت عرصه ای بکر و مستعد برای حضور تمامی انواع بزهکاران جدید و منحصر به فرد است که تحت عنوان پرسه زنان فضای مجازی خوانده می شوند.

پرسه زن فضای مجازی، فردی است که از اینترنت به عنوان یک سلاح یا ابزار برای شکار، آزار، تهدید و تولید ترس و دلهره در بزه دیدگان خوداز طریق تاکتیک های پیچیده پرسه زنی که در اغلب اوقات، ناشناخته و گاه قانونی هستند، استفاده می کند.

به رغم گذشت حدود یک دهه از انجام تحقیقات چشمگیر جرم شناختی، تاکنون تعریفی خلاصه و مورد قبول دانشگاهی درباره مفهوم سنتی پرسه زنی وجود نداشته است. در نتیجه رفتارها، الگوها و تاکتیک های پرسه زنان در فضای مجازی، مورد شناسایی نادرست قرار می گیرد و تا حدود زیادی هم ناشناخته هستند.

اما این مساله پذیرفته شده که رفتارهای پرسه زنی در فضای مجازی می توانند از ایمیل های غیر تهدید

کننده تا یک مواجهه بالقوه مرگ آور میان پرسه زن و بزه دیده هدف متغیر باشد.

واژه پرسه زنی در فضای مجازی، نوعاً به استفاده از اینترنت، ایمیل و دیگر ابزارهای ارتباط الکترونیکی برای ایجاد مزایای از رعب، آزار و ترس به شکلی مجرمانه در قبال یک یا چند بزه دیده بازمی گردد. تحقیقات حکایت از روند صعودی شمار حوادث مربوط به پرسه زنی در فضای مجازی دارند که بخشی از آن مجرمانه در فضای مجازی می باشد. این پدیده را با فراهم آورد و فرد بزهکار قادر است در آن پنهان شود و هویت خود را در پس آن مخفی نگه دارد. این ناشناس ماندن به یک بزهکار امکان می دهد خود را فردی کاملا متفاوت جا بزند. مساله ناشناس ماندن در اینترنت این فرصت را بر هر فردی می آورد تا مرتکبان، به شکل مجازی یا هر کسی در راه زمینی با کمترین هراس از شناسایی شدن و حتی ترس کمتر برای دستگیری و تحت پیگرد قانونی قرار گرفتن، ارتباط برقرار کنند.

این نوع بزهکاران سایبری دارای سطح بالایی از توانایی ها و قابلیت های رایانه ای هستند یعنی مهارت هایی اساسی است که به یک پرسه زن فضای مجازی امکان استفاده تیمپاتی برای ردیابی نشدن(ناشناس ماندن) را می دهد که به سادگی با استفاده از تاکتیک هایی کم هزینه و ساده، هویت خود را پنهان نماید. مثلا پرسه زن فضای مجازی می تواند با چندین ارائه کننده خدمات اینترنتی( ISP) ارتباط برقرار کند و نام های متفاوتی را برای خود بسازد که ردیابی ریشه ایمیل ها تقریباً غیر ممکن شود.

از آنجایی که به ندرت می توان به وجود تماس فیزیکی میان پرسه زن سایبری و بزه دیده اندیشید اغلب مأموران پلیس، جدی بودن این نوع آزار را بسیار کم می بینند و ترس، بزه دیده را در حد نوعی مزاحمت تلفنی تلقی می کنند و این در حالی است که پرسه زنی در فضای مجازی می تواند تهدید و ترس می پای تهدید و ترس ناشی از یک پرسه زنی